



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۹/۲۲



انجنیر نجیب الله داوری

امریکا و افغانستان

همکاری در ترازوی منافع ملی

بیست و چهار سال قبل جهان با حمله القاعده به برج های دوگانه نیویورک تکان خورد. امریکا در واکنش فوری وارد صحنه شد و از طالبان خواست تا اسامه بن لادن رهبر القاعده را که در افغانستان پناه گرفته بود تحویل دهند. اما طالبان با لجابت این درخواست را رد کردند. این انکار ساده به مداخله نظامی امریکا در افغانستان در شروع قرن بیست و یکم انجامید. امریکا تصویری کرد پس از بازداشت بن لادن، مأموریتش پایان می یابد و سربازانش سریعاً افغانستان را ترک خواهند کرد. اما با فرار بن لادن و پنهان شدن او در روستاهای آنسوی خط فرضی دیورند و بلاخره در ایبیت آباد پاکستان اوضاع تغیر کرد و امریکا ناخواسته در باتلاق افغانستان گیر افتاد.

افغانستان 2001 درگیر ویرانی و قحطی

افغانستانی که امریکا در سال 2001 وارد آن شد، کشوری بود کاملاً ویران و فاقد ابتدایی ترین زیر ساخت ها. دو دهه جنگ داخلی بعد از کودتای سیاه و خونین ثور، تجاوز ارتش سرخ و جنگهای تنظیمی همه چیز را نابود کرده بود. جاده ها همه ویران، تأسیسات زیربنایی نابود، اقتصاد از هم پاشیده و مردم در چنگال قحطی و بیماری دست و پا میزدند. زنان و دختران عملاً از جامعه حذف، و زندگی برای مردم افغانستان به جهنم خاموش تبدیل شده بود. میلیونها افغان بخاطر بقا ناچار بودند خانه و کاشانه شانرا ترک و به کشورهای همسایه، اروپا، امریکا، کانادا و استرالیا پناه ببرند.

شکست قیودات و فرصت بازسازی

حضور پرمفعت امریکا و جامعه جهانی در اواخر سال 2001 در افغانستان بسیاری از محدودیت های طالبان را درهم شکست. زنان دوباره به کار، مکاتب و پوهنتونها برگشتند، رسانه ها جان تازه گرفتند و امید تغیر در دل مردم جوانه زد. صدها میلیارد دالر کمک بین المللی به افغانستان سرازیر شد؛ فرصت بی سابقه برای بازسازی و اعمار زیرساخت های

نوین فراهم شد؛ اما نبود مدیریت سالم و گسترش فساد گسترده در دولت‌های مافیای و جنگسالاری وقت خصوصاً در عصر کرزی، این سرمایه تاریخی را نابود ساخت. نتیجه آن شد که بجای ساختن افغانستان خود کفا و مدرن، کاخ‌های شخصی سیاستمداران و جنگسالاران در دوبی، استانبول، دوشنبه، و حساب‌های بانکی در اروپا و امریکا روز تا روز افتتاح شود.

تبلیغات تخریبی و موج ضدیت با امریکا

با حضور فعال جامعه جهانی و سربازان بین المللی حفظ صلح در افغانستان در حالیکه تغییرات مثبت در جامعه افغانی روز تا روز آشکار و مردم افغانستان در شروع از حضور سربازان بین المللی استقبال شاندار و بینظیر نمودند، اما دستگاه‌های استخباراتی کشورهای مغرض همسایه چون روسیه، ایران و پاکستان فوراً دست بکار شده و با راه اندازی موج عظیمی از تبلیغات سوء سازمان یافته و هدفمند، امریکا را به عنوان اشغالگر و تجاوزگر به معرفی گرفتند. این تبلیغات چنان ماهرانه طراحی شده بود که حتی بخشی از قشر به اصطلاح روشنفکر در حالی فریب تبلیغات مذکور را خوردند که تحت تاثیر بقایای نشرات ضد امریکایی ساخته و پرداخته نشرات چین و شوروی عصر جنگ سرد در حافظه شان به جای نقد فساد داخلی، به دشمنی کورکورانه علیه امریکا روی آوردند. نتیجه این شد که افکار عمومی به تدریج خلاف حضور جامعه بین‌المللی شکل گرفت و طالبان توانستند از این فضا برای بازگشت دوباره حد اعظم استفاده نموده و روز تا روز قدرت گیرند.

خروج امریکا پایان یک فصل روشن، اما پرتنش

فشار تبلیغاتی، فساد دولت‌های افغانستان و جنگ‌های فرسایشی طالبان، امریکا را به ستوه آورد. سرانجام در سال 2021، ایالات متحده پتو اش را تکاند و افغانستان را ترک گفت. خروج عجولانه و بی برنامه امریکا، سقوط برق آسای دولت غنی بلاخره بازگشت طالبان را رقم زد. این خروج برای امریکا یک شکست استراتژیک بود، اما برای مردم افغانستان کابوسی شد تمام عیار و برگشت به عقب که هنوز ادامه دارد.

ترمپ و اعتراف به اشتباه استراتژیک

دونالد ترامپ بارها در جریان مبارزات انتخاباتی سال 2024 ریاست جمهوری امریکا خروج امریکا از بگرام را یک اشتباه تاریخی و استراتژیک خواند. بسیاری گمان می‌کردند این سخنان صرفاً مصرف انتخاباتی داشته و جهت ضربه به شخصیت بایدن اظهار میشود. اما سخنان اخیر ترامپ در لندن نشان داد که ماجرا جدی است. در ادامه ترمپ گفت:

اگر طالبان پایگاه بگرام را واگذار نکنند، امریکا به زور متوسل خواهد شد. این اظهارات نشان میدهد که بگرام هنوز هم در محاسبات استراتژیک امریکا جایگاه خاص و حیاتی دارد.

امریکا با چه کسی برمی‌گردد؟

نا گفته پیداست که امریکا از فساد و ناکامی‌های دولت‌های کرزی، غنی و عبدالله به شدت دلخور است و هرگز به این مهره‌های سوخته اعتماد نخواهد کرد. بنابراین گزینه بی‌جز معامله مستقیم با اداره امارت اسلامی افغانستان راه دیگری باقی نمی‌ماند. اما این معامله آسان نخواهد بود. زیرا جو عموم مردم امریکا از حاکمیت طالبان و سیاست‌های شان بالای مردم افغانستان ناراض اند؛ چون طالبان با سیاست‌های ضد زن و محدودکننده حقوق بشر چهره ناخوش آیند در سطح جهانی از خود ترسیم کرده اند، که یکی از موانع عمده برگشت امریکا به بگرام خواهد بود، مگر اینکه اول باید امارت اسلامی را وادار سازد تا حد اقل در زمینه تحصیل و کار زنان عقب نشینی کند. همزمان از یاد نبریم که حضور مجدد و فعال امریکا در افغانستان باعث فعالیت‌های بزرگ ملی و بین‌المللی اقتصادی در این کشور شده که بخودی - خود زمینه برگشت ملیونها افغان در حال رنج و تحت ظلمت از ایران و پاکستان را فراهم خواهد ساخت.

واکنش همسایگان و تشویش چین.

بازگشت امریکا به پایگاه هوایی بگرام موجی از نگرانی را در میان همسایگان افغانستان برانگیخته است. ایران، پاکستان و روسیه با وجود مخالفت تا کنون اظهار نظر رسمی نکرده اند، مگر چین علناً مخالفت خود را ابراز کرد. اما پرسش اینجاست که آیا کشورهای مذکور بخصوص چین حق دارند تا در معامله میان افغانستان و امریکا دخالت کنند؟

همین حالا صدها شرکت ثروتمند امریکایی در کشور چین فعالیت داشته که دولت چین از برکت فعالیت شرکت‌های مذکور سالانه میلیاردها و حتی تریلیون دلار نفع می‌برد، چگونه میتواند به افغانستان حق ندهد که با امریکا وارد معامله شود؟

مبهرن و آشکار است که چنین اعتراض‌های مغرضانه بیشتر رنگ و بوی رقابت‌های اقتصادی و منافع ژئوپولیتیک دارد تا دلسوزی برای مردم افغانستان، زیرا واضح است که چین به معادن افغانستان چشم دوخته و اخیراً چین با راه اندازی فابریکه تولید موترهای برقی از نوع تیزرفتار امیدوار است از معدن تریلیون دلار لیتیوم افغانستان نفع سرشار را نصیب شود، تا در رقابت با امریکا - موترهای برقی بر مراتب ارزان تولید و وارد بازارهای جهانی سازد. اما مردم افغانستان باید بدانند که فعالیت شرکت‌ها استخراج معادن چینی در کشورهای افریقایی هرگز شفاف نبوده و چین

برای استخراج معادن مذکور حتی کارگران ساده و غیر متخصص در سطح ده ها هزار نفر را از چین به افریقا منتقل میکرد. در حالیکه شرکت های امریکایی و اروپایی در زمینه حق اولیت را به کارگران محلی داده و فقط انجنیران و ماشین های مورد ضرورت را با خود به کشور های صاحب معادن میبرد.

اپوزیسیون مهاجر و روشنفکران همیشه مخالف

در کنار همسایگان مغرض، گروهی از افغان های مقیم کشورهای غربی و استرالیا نیز با بازگشت احتمالی امریکا به پایگاه هوایی بگرام مخالفت می کنند. همین افراد بودند که در زمان حضور امریکا، به جای حمایت از بازسازی، با شعارهای پوپولیستی حضور امریکا را تضعیف کردند. بعد از خروج امریکا و بازگشت طالبان، همین ها ناله سر دادند که امریکا ناجوانمردانه افغانستان را در میدان خالی رها کرد و رفت. امروز که امریکا دوباره قصد بازگشت دارد، باز هم همین تعداد علم مخالفت برافراشته اند. این در حالیست که این گروه ها به جای ارائه راه حل عملی برای آینده و حفظ منافع ملی مردم افغانستان، بیشتر سرگرم شعارهای احساساتی و نمایشات غیر عقلانی در شبکه های اجتماعی اند.

پایان

[آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین](#)